

#### یادداشت

### کارخانه‌ها را فقط به خاطر پول واگذار نکند

علیرضا حدیری، کارشناس حوزه کار

اگر تاریخچه خصوصی‌سازی در ایران قبل و بعد از انقلاب را بررسی کنیم، شکل خصوصی‌سازی بعد از انقلاب عوض شد و خصوصی‌سازی بسا هدف اصلی کاهش تصدی‌گری دولت و پرداختن به حوزه نظارت و سیاستگذاری مطرح شد و به‌اجرا آمد. در بحث خصوصی‌سازی و واگذاری‌ها به بخش خصوصی با دو گروه از افراد مواجه هستیم؛ دسته اول افرادی هستند که صنعت و نیروی کار را خوب می‌شناسند، کاربلد و اهل مدیریت هستند ولی سرمایه‌ ندارند و دسته‌ای دیگر از مدیریت بالایی برخوردار نیستند و تنها به واسطه پول و سرمایه کلانی که در اختیار دارند، اداره بنگاره را در اختیار می‌گیرند. مسامیران صنعتی بسیاری در کشور داریم که دلسوز و باتجربه‌اند و روزمه قوی مدیریتی دارند ولی چون فاقد سرمایه هستند در لیست واگذاری مدیری‌ت بنگاه قرار نمی‌گیرند یا به‌ندرت به آنها واگذار می‌شود. در بحث واگذاری یک بنگاه باید اهلیت افرادی که آن را خریداری می‌کنند شناسایی شود. واگذاری بنگاه به اشکال متعددی صورت می‌گیرد که مذاکره، مزایده و بورس را شامل می‌شود اما یکی از اشکال واگذاری این است که مدیریت بنگاه را واگذار کنیم، به این نحو که کارخانه را دولتی نگه داریم و مدیریتی را واگذار کنیم. وقتی مدیریت بنگاه را واگذار کردیم، بعدها می‌توانیم در صدی از مالکیت را هم به کارگران و افراد شاغل در آن بنگاه واگذار کنیم و زمانی که بنگاه به توسعه رسید، اشکال جدیدی پیاده کنیم. بسیاری از واگذاری‌ها در حال حاضر از طریق مذاکره صورت می‌گیرد بدون آنکه ویژگی‌های فردی مورد ارزیابی قرار گیرد. فرد به‌صرف داشتن پول، مالک و سهامدار کارخانه می‌شود در صورتی که تنها سرمایه کافی نیست و باید رزومه مدیریتی قوی هم پشت آن باشد. در برخی واگذاری‌ها عده‌ای که به ارکان قدرت نزدیک‌ترند بنگاه‌ها را مدیریت می‌کنند و مشاهده می‌شود با رقابت هم در حوزه مدیریت و هم در حوزه قیمت‌گذاری تنها با هدف انفعال شرکت‌ها را به دست می‌گیرند و در نهایت کارگران قربانی مشکلات کارخانه می‌شوند و وقتی به دلیل عدم پرداخت حقوق دست به اعتراض می‌زنند با آنها برخورد می‌شود، در صورتی که عملکرد بد بخش خصوصی و مدیریت بنگاه چنین مشکلاتی را رقم زده است.

#### خبر کارگری

نماینده ویژه وزیر کار:

**دوماه از حقوق معوقه کارگران**

**هفت تپه و فولاداهواز پرداخت شد**
نماینده ویژه وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در امور رسیدگی به بنگاه‌های شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه و فولاد خوزستان جزئیات پرداخت مطالبات معوق کارگران این دو کارخانه را تشریح کرد.

کریم یماوری در گفت‌وگو با ایسنا، از پرداخت حقوق دو ماه کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه خبر داد و گفت: حقوق دو ماه کارگران هفت‌تپه پرداخت شده و هم‌اکنون کارگران مشغول کار و تولید هستند.

وی افزود: مجموع حقوق و مطالبات معوق کارگران چهار ماه بود که دو ماه آن به‌طور کامل پرداخت شد و دو ماه باقیمانده به دنبال راه‌اندازی و اورهال کارخانه و حضور کارگران در اسرع وقت با پرداخت شکر پرداخت خواهد شد.

مدیرکل حمایت از مشاغل و بیمه بیکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تاکید کرد: خواسته کارگران نیشکر هفت تپه، تولید مستمر، تثبیت اشتغال و پایداری بنگاه است و با توجه به آنکه معیشت خانواده‌هایشان از محل فعالیت در این کارخانه تأمین می‌شود، انتظار دارند بنگاهی که در آن کار می‌کنند به حیات اقتصادی خود ادامه دهد. یماوری در عین حال از پرداخت دو ماه حقوق و مطالبات معوق کارگران گروه ملی فولاداهواز خبر داد و گفت: با پیگیری‌های انجام شده تمام سه‌هزار کارگر گروه ملی فولاد از سه ماه حقوق معوق، دوماه را به‌طور کامل دریافت کردند و تنها یک ماه باقی‌مانده است که در انتظار تحقق تعهدات سهامدار برای پرداخت آن هستیم.

**دستمزد توافقی؛ محروم کردن زنان و روستاییان از حداقل‌های حقوقی است**

# شگردی جدید برای استثمار نیروی کار

**حذف حداقل دستمزد به عنوان آنچه «مانع شکوفایی اشتغال» ادعایمی‌شود، یکی از اصلی‌ترین اهداف طرفداران اقتصادبازار است. در ایران نیز این نظریه، طرفداران خود را دارد، طرفدارانی که از هیچ تلاشی برای به‌کرسی نشاندن خواسته‌های خود فروگذار نمی‌کنند؛ از لابی‌با نمایندگان مجلس گرفته تا نفوذ در بدنه دولت و اعمال فشار برای ارسال لوایح مخدوش قانون کار. مهم‌ترین استدلال مخالفان «حداقل دستمزد» این است: حداقل دستمزد مانع «انعطاف» در بازار کار است و اجازه نمی‌دهد کارگاه‌های کوچک و متوسط به حیات خود ادامه دهند.**



را به اجناس خارجی بیازیم. او تاکید می‌کند: منظور ما کارگاه‌هایی‌ست‌با ۱۰ پانهایتا ۱۵ کارگر که کارفرما توان پرداخت دستمزد را ندارد و از طرف دیگر، کارگران آنها، گروه‌های آسیب‌پذیر مثلاً زنان سرپرست خانوار یا معلولان هستند که فرصت اشتغال و امتیاز رقابتی ندارند. ما می‌گوییم در مورد حداقل دستمزد، در چنین شرایطی به حامیان اصلاح قانون کار به نفع کارفرمایان و تولید به حساب می‌آید. «وشین زارع» به‌عنوان نماینده وکیل موسسه‌خیریه نذر اشتغال که در اصفهان مستقر است، می‌گوید: کارگاه‌های کوچک با مشکلات عدیده‌ای دست و پنجه نرم می‌کنند و اجباری بودن حداقل دستمزد در این کارگاه‌ها باعث می‌شود که کارفرما نتواند از پس هزینه‌های تولید بر بیاید و مجبور می‌شود در نهایت، میدان را به واردکنندگان و دلالت واگذار کند.

#### حداقل مزد دشمن اشتغال در کارگاه‌های کوچک

وی در دفاع از انعطاف‌مزدی، از لزوم حفظ اشتغال موجود و تلاش برای اشتغال‌زایی بیشتر دفاع می‌کند و می‌گوید: اگر قرار باشد حداقل دستمزد را در صنایع کوچک (تاکید می‌کنم دستمزد اجباری باشد، نمی‌توانیم از پس کار بر بیاییم- در اغلب صنایع کوچک، قیمت تمام‌شده محصول خیلی کم است. اگر قرار باشد این مبلغ برود بالا، محصول فروش نمی‌رود، یعنی در عمل مجبور می‌شویم قافیه

#### گزارش

تغییرات ۵ ساله شاخص‌های بازار کار نشان داد

# اشتغال سالانه ۴۰۶ هزار نفر در کشور

تغییرات پنج‌ساله شاخص‌های بازار کار نشان می‌دهد از سال ۹۲ تا ۹۶، دو میلیون و ۳۳ هزار شغل و سالانه به‌طور میانگین ۴۰۶ هزار شغل ایجاد شده است.

به گزارش مهر، بررسی نسبت اشتغال کشور طی سال‌های ۹۲ تا ۹۶ به استناد آمار مرکز آمار ایران، نشان می‌دهد جمعیت شاغل کشور از ۲۱ میلیون و ۳۴۶ هزار نفر در سال ۹۲ به ۲۳ میلیون و ۳۷۹ هزار نفر رسیده است. به این ترتیب در بازه پنج ساله ۹۲ تا ۹۶، دو میلیون و ۳۳ هزار نفر به جمعیت شاغل کشور اضافه شده است و میانگین اشتغال سالانه حدود ۴۰۶ هزار نفر بوده است.

بر اساس این گزارش، بررسی جمعیت بیکار کشور از سال ۸۴ نشان می‌دهد که جمعیت بیکار در سال ۸۹ به اوج خود رسید. پس از آن

**حیبیی: اگر مزد منطقه‌ای تصویب شود، روستاییان که هم‌اکنون نیز با خریداران محصول و دسترنجشان مورد بی‌مهری و تاراج قرار گرفته‌اند، در مرحله اول و بعد هم کارگران سراسر کشور از طریق «ارزان‌سازی نیروی کار» مورد استثمار و بهره‌کشی قرار می‌گیرند**

است، چگونگی می‌توان از توافق میان کارگر زیر خط‌گر سنگی مطلق و کارفرمای برخوردار از قدرت و ثروت، به عنوان معیار عدالت دفاع کرد؟

#### شدت گرفتن تلاش‌های حامیان «دستمزد توافقی»

اما به‌رغم مخالفت‌های همیشگی کارگران با این رویه‌ها و استدلال‌ها، در روزهای اخیر تلاش‌های این گروه و حامیان دستمزد توافقی شدت گرفته است. حسین حیبیی، عضو هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور در رابطه با این تلاش‌های می‌گوید: بحث‌های انحرافی برای به چالش کشیدن حقیقت دستمزد آغاز شده که مزد را برای مناطق و صنایع و مشاغل مختلف، به‌شیوه متفاوت تعریف و تعیین کنند آن‌هم کمتر از حداقل دستمزد. منتهی چون از طرح یک‌باره موضوع و عکس‌العمل جمعیت ۴۲ میلیونی کارگران وحشت دارند، قصد دارند طرح

تعیین دستمزد مشاغل روستایی با روش توافقی، به میزان کمتر از حداقل دستمزد را با یاری نمایندگان مجلس تصویب کرده‌به‌آن، جنبه قانونی بدهند وی تاکید می‌کند: اگر این اتفاق بیافتد، روستاییان که هم‌اکنون نیز با خریداران محصول و دسترنجشان مورد بی‌مهری و تاراج قرار گرفته‌اند، در مرحله اول و بعد هم کارگران در سراسر کشور از طریق «ارزان‌سازی نیروی کار» مورد استثمار و بهره‌کشی قرار می‌گیرند.

حیبیی هشدار می‌دهد: طرح این موضوع، ضدانسانی و مغایر با شرع و قانون اساسی و منافع ملی است و در اصفهان کلید خورده است. لذا نمایندگان ادوار مردم اصفهان و سایر نمایندگان در مجلس مراقب باشند که فریب استدلال‌ات مخدوش و ضد کارگری این گروه‌ها را نخورند و خودشان را مقابل جامعه کارگری کشور قرار ندهند.

**به دنبال استثمار کارگران**

حیبیی با تاکید بر لزوم ایستادگی در مقابل «مقررات زدایان» می‌گوید: قانون اساسی ایران که خون‌بهای ملت ایران و برخواسته از انقلاب و اسال دفاع مقدس است، شان و کرامت و ارتقای مادی و معنوی انسان را مورد توجه قرار داده، نه اینکه بعد از سپری‌شدن چهاردهه از عمر انقلاب، بر گردیم به معادلات طاغوتی و ضدانسانی! دبیر کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران، موسسه خیریه نذر اشتغال و دیدگاه‌های آن را با توجه به لابی‌گری‌های متعددی که با نمایندگان مجلس و دولتی‌ها انجام می‌دهند، یک خطر بالقوه برای طبقه کارگر قلمداد می‌کند و به کارگران هشدار می‌دهد: کارگران و تشکلهای کارگری هوشیار باشند. نباید اجازه دهیم به سرمایه‌داران و کسانی که خود را در اصفهان نماینده بیکران معرفی می‌کنند – و اصلاً چنین نمایندگی نه وجود دارد و نه قانونی است – که منابع و منافع و سود خود را از طریق استثمار روستاییان و کارگران تأمین کنند.

نگرانی‌های فعالان کارگری کاملاً به‌جاست. اگر حداقل مزد مورد یورش قرار بگیرد، بسرای دومین بار از تصویب قانون کار، حیات جمعی طبقه کارگر به مخاطره خواهد افتاد. اولین بار، باز شدن پای قراردادهای موقت در دهه ۷۰ بود که کارگران را از «امنیت شغلی» و به تبع آن از حق «تشکیل‌یابی» محروم کرد. حال اگر بتوانند گروه‌هایی را از الزام حداقل دستمزد محروم کنند، معیشت و حیات کارگران به خطر می‌افتد. اولین معافیت از حداقل مزد، در کمتر از ۱۰ سال به یک آییندی همه‌گیر در بازار کار تبدیل خواهد شد، همان اتفاقی که قبل از این برای قراردادهای موقت و بی‌ثبات‌کاری نیز رخ داد. به همین روی، خروج روستاییان و به دنبال آن گروه‌های آسیب‌پذیر مانند معلولان و زنان سرپرست خانوار از شمول ماده ۴۱ قانون کار، یک هشدار جدی برای طبقه کارگر است.

**علیپور: وقتی کارگر**

**ایرانی حق چانه‌زنی در**

**مورد جزئی‌ترین مسائل**

**را ندارد، اراده کارگر در**

**مناسبات بازار کار به**

**رسمیت شناخته نمی‌شود و**

**نمی‌توانیم با هم‌تایان خود،**

**متشکل شویم، مقایسه**

**ما با کشورهای پیشرفته**

**غربی و هجوم به قانون کار،**

**هم‌بی‌عدالتی‌ست و هم**

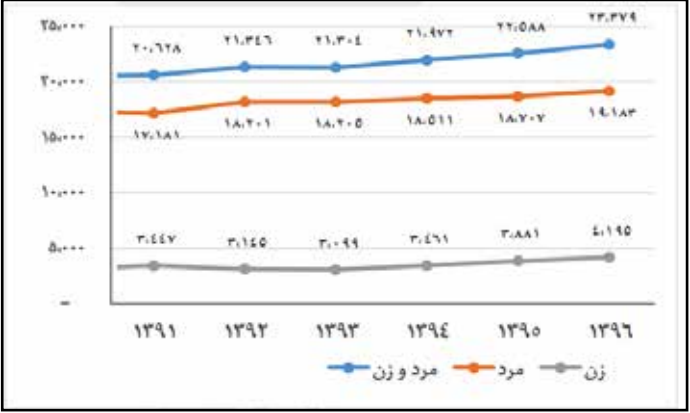
**یک‌جانبه‌نگری**

مدافعان توافقی شدن دستمزد، علاوه بر دفاع از ایجاد انعطاف در بازار کار و حمایت از اشتغال، نمونه‌های جهانی را دستاویز ادعای خود قرار می‌دهند و می‌گویند در کشورهای دیگر نیز، رفع حداقل دستمزد به آزادسازی اقتصاد و رونق تولید انجامیده است و در بسیاری از کشورهای غربی، الزام حداقل مزد وجود ندارد.

فعالان کارگری این مبنای استدلالی را نیز «مغلطه» می‌دانند، چرا که این نوع نگاه، بخشی‌نگری و یک‌طرفه به قاضی رفتن است. در همان کشورهایی که مدافع اقتصاد بازار هستند، کارگران از حق ایجاد سندیکا و تشکلهای آزاد و مستقل بهره‌مندند و می‌توانند با چانه‌زنی از حقوق معیشتی خود دفاع کنند. کارگر بی‌دفاع و غیرمتشکل ایرانی چه شهادتی با نمونه‌های غربی خود دارد؟!

کافی‌ست نگاهی به روزنامه‌های اقتصادی غرب ببانیم: روز و هفته‌ای نیست که دغدغه‌مندان اقتصاد با لابه و استغائه از کارگران و اتحادیه‌هایشان نخواهند که کمتر کارفرمایان را تحت فشار قرار بدهند و افزایش مزدهای سنگین مطالبه نکنند! در آن کشورها هر اتحادیه سراسری کارگری با اتحادیه کارفرمایان خود، محکم و قوی سر دستمزد چانه می‌زند و با داشتن حربه‌های قانونی، برای معیشت اعضای خود می‌جنگد.

وقتی این استدلال را با اکبر علیپور، رئیس انجمن صنفی کارگران معدن چادرملو که برای تحکیم تشکلهای کارگران، تلاش بسیار انجام داده، در میان می‌گذاریم، پاسخ روشن می‌شود: وقتی کارگر ایرانی حق چانه‌زنی و اظهار عقیده در مورد جزئی‌ترین مسائل مانند قرارداد کار را ندارد، وقتی اراده کارگر در مناسبات بازار کار به رسمیت شناخته نمی‌شود و وقتی نمی‌توانیم با هم‌تایان خود در نقاط جغرافیایی دیگر، متشکل شویم، مقایسه‌ما با کشورهای پیشرفته غربی و هجوم به قانون کار، هم‌بی‌عدالتی‌ست و هم یک‌جانبه‌نگری. کاملاً نادرست و مضحک است که ما را با کشورهایی مقایسه کنند که هر اتحادیه کارگری، دویاسه میلیون عضو دارد!



دهه اخیر در سال ۸۹ با نرخ ۱۱.۹ درصد به اوج خود رسیده بود تا سال ۹۲ روند کاهشی داشت اما پس از آن مجدداً روند افزایشی به خود گرفت.

سال ۹۶ نیز نرخ بیکاری زنان حدود یک درصد کاهش یافت.

اما نرخ بیکاری مردان که طی بیش از یک